

## روش‌های نقل روایات اهل بیت (علیهم السلام) در تفسیر التبیان

سید حسین موسوی دره بیدی\*

تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۱۹

امیر احمدنژاد\*\*

تاریخ پذیرش: ۹۸/۵/۱۷

### چکیده

«التبیان فی تفسیر القرآن»، تألیف شیخ طوسی، اولین تفسیر جامع و اجتهادی قرآن در شیعه است. در این تفسیر که بخش قابل توجهی از آن را روایات و اقوال تفسیری تشکیل داده، نقل روایات اهل بیت (ع) شیوه متفاوتی از دوره پیش و پس از خود دارد. این موضوع با توجه به جایگاه شیخ طوسی در حدیث شیعه به عنوان مؤلف دو کتاب از کتب اربعه حدیثی، اهمیت بیش‌تری پیدا می‌کند. بیش‌تر روایات نقل شده در این تفسیر به شیوه مرسوم نقل روایات و به طور صریح، در تفسیر منعکس نشده و اصل حاکم بر نقل روایات اهل بیت (ع) در «التبیان»، اشاره به وجود روایت در موضوع مورد بحث آیات و پرهیز از نقل مستقیم روایات است. مؤلف همچنین از روش‌های متفاوتی نظیر اشاره به موضوع روایت، ذکر واژگان کلیدی روایت، استفاده از واژگان دال بر روایات شیعه و الفاظ مجهول استفاده کرده است. می‌توان گفت که انگیزه و شرایط زمانی و مکانی تألیف (فضای گفتمان) این تفسیر در کمیت و کیفیت نقل روایات اهل بیت (ع) نقش مؤثری داشته و مؤلف سعی در تألیف تفسیر تقریبی داشته است.

**کلیدواژگان:** تفسیر، روش نقل، روایت، شیعه، اهل بیت (ع).

## مقدمه

یکی از منابع مهم در تفسیر آیات قرآن کریم استفاده از روایات پیامبر و اهل بیت (ع) است. آن بزرگواران علاوه بر تبیین معارف قرآن، شاگردان متخصصی در این زمینه تربیت نمودند. در عصرهای متأخر از دوران ائمه نیز اصحاب و عالمان شیعه به جمع و تدوین این روایات همت گماردند؛ در نتیجه تألیفات قرآنی با موضوع خاص و تفاسیر روایی شیعی همچون فرات کوفی، علی بن ابراهیم قمی و ابونضر عیاشی و تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) به وجود آمد. در قرن پنجم شیخ طوسی با توجه به شرایط سیاسی، علمی و کلامی جهان اسلام جای خالی یک تفسیر جامع شیعی را احساس و نگارش «التبیین فی تفسیر القرآن» را با ویژگی‌های یک تفسیر مورد قبول برای مذاهب اسلامی آغاز نمود.

از ویژگی‌های شاخص تفسیر «التبیین»، نقل روایات و اقوال تفسیری است. اگرچه اقوال صحابه، تابعین و مفسران متقدم در آن نقش پررنگی دارد، اما مؤلف به روایات شیعه نیز توجه داشته است و در سراسر «التبیین» با روش‌های مختلف بدان‌ها پرداخته است. شیوه و روش شیخ در استفاده از این روایات با توجه به جایگاه علمی و تألیفات حدیثی او محل تأمل است و سؤالاتی را در ذهن تداعی می‌نماید. توجه مؤلف در این تفسیر به روایات شیعه چقدر است؟ روش‌های نقل روایات او چگونه است؟ چرا بیش‌تر روایات در «التبیین» با الفاظ کامل ذکر نشده و شیخ طوسی به صورت اشاره‌ای بدان‌ها اشاره نموده است؟ چرا فقط برخی روایات را نقل نموده است و معیار گزینش ایشان در روایات تفسیری چیست؟

انگیزه و نگاه مؤلف و تبیین فضای تألیف این تفسیر، پاسخ به این سؤالات را روشن می‌سازد. شیخ طوسی در مقدمه «التبیین» به تألیفات اصحاب شیعه در جمع روایات تفسیری اشاره نموده (یعنی قصد جمع آوری دوباره روایات را ندارد) و انگیزه خود را تألیف یک تفسیر با اسلوب جدید (جامع) معرفی می‌نماید که در نهایت ایجاز و اختصار به جمیع فنون قرآن و تفسیر بپردازد (طوسی، ۱۳۸۳ق: ۲/۱). این یادآوری شیخ طوسی، روشن کننده سبک تفسیر اوست و به خوبی نیز بر روش او در نقل روایات اهل بیت (ع) (روش اشاری) تأثیر گذاشته است. در کنار انگیزه مؤلف، فضای ویژه تألیف این تفسیر

یعنی شرایط سیاسی، علمی و کلامی عصر شیخ طوسی در کمیت و کیفیت نقل روایات اهل بیت (ع) نقش مؤثری داشته است. این روش شیخ طوسی در نقل روایات، قرن‌ها بعد موجب بی توجهی برخی مفسران به «التبیان» به عنوان یک منبع روایات تفسیر شد تا جایی که در تفاسیر روایی شیعه همچون «صافی»، «البرهان» و «نور الثقلین» اشاره‌ای به نقل روایت از «التبیان» نشده و روایات «التبیان» را از «مجمع البیان» طبرسی نقل کرده‌اند. به نظر می‌رسد، جریان فکری اخباری‌گری مؤلفان این تفاسیر (سعیدی روشن و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳۸/۱). دلیل اصلی بی توجهی این مفسران به روش نقل روایات «التبیان» است. شیخ طوسی در نقل روایات شیعه، همانند تفاسیر روایی موجود عمل ننموده و احتمالاً با وجود این تفاسیر، خود را از ذکر دوباره روایات همراه با سند آنها بی‌نیاز دانسته است. با استخراج روایات این تفسیر و بررسی و تطبیق آنها با مصادر متقدم متوجه می‌شویم، مؤلف در موارد بسیار و در قالب‌های متفاوت به نقل روایات پرداخته است. روایات در «التبیان» در سه اسلوب کلی ذکر واژگان روایت همراه با نام اهل بیت (ع) اشاره به روایت با عبارت‌های «اصحابنا»، «عن ائمتنا»، «فی اخبارنا» و اشاره با الفاظ مجهول نقل شده است. در این نوشتار تلاش بر این است که با استخراج روایات و تطبیق آنها با مصادر متقدم روش‌های متفاوت نقل روایات اهل بیت (ع) را در این تفسیر بررسی نماییم.

### پیشینه بحث

تفسیر «التبیان» با توجه به جایگاه شیخ طوسی در شیعه، از اندک زمانی بعد از تألیف مورد توجه اندیشمندان قرار گرفت و محتوای آن به ویژه روایات آن در تفاسیر بعد همچون تفسیر «مجمع البیان»/ امین الاسلام طبرسی (م ۵۴۸ق) و «فقه القرآن» قطب الدین سعید بن هبیه الله راوندی (م ۵۷۳ق) منعکس گردید. بسیاری از روایات در «التبیان» که به صورت مختصر و بدون سند نقل شده در تفسیر «مجمع البیان» به صورت کامل‌تر و همراه با سند آورده شده است؛ این روایات به واسطه تفسیر «مجمع البیان» در تفاسیر روایی شیعه همچون «البرهان» بحرانی (م ۱۰۷ق) و «نور الثقلین» حویزی (م ۱۱۲ق) منعکس شده است.

در عصر حاضر این تفسیر از زاویه‌های مختلف به ویژه مباحث کلامی و تفسیر تطبیقی مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته و در موضوع روایات در «التبیین» دو پایان‌نامه کارشناسی ارشد نوشته شده است که بیش‌تر به روش و سبک روایات تفسیری صحابه و تابعان پرداخته است؛ پایان‌نامه اول با موضوع «نقش و جایگاه اخبار صحابه و تابعان در تفسیر التبیین شیخ طوسی» اثر علی/میری است که به ابعاد روایات تفسیری منقول از صحابه و تابعان و روش شیخ طوسی در برخورد با آن‌ها پرداخته است. پایان‌نامه دوم با موضوع «سبک‌شناسی تفسیر تبیین در تعامل با روایات تفسیری» اثر محمد کاظمی که در فصل دوم کارکردهای روایات تفسیری را در بخش‌های تفسیری، کلامی، علوم قرآنی و کارکردهای دیگر مطرح و در فصل سوم شیوه‌های ارزیابی روایات تفسیری در «التبیین» را بیان کرده است.

مقالات پژوهشی «روایات در تفسیر تبیین» از حسین رهبری، «نحوه استفاده شیخ طوسی از روایات در تفسیر التبیین» از سمیه خلیلی و عباس همایی، «اختلاف قرائت یا تحریف قرآن؛ نگاهی به روایات شیعه» و «طبری و تفاسیر شیعه، برخی روابط تفسیری شیعه و سنی در دوران کهن با تأکید خاص بر التبیین» از مرتضی کریمی‌نیا، برخی ابعاد این موضوع را مورد بررسی قرار داده‌اند. با توجه به اهمیت روایات تفسیری و از آنجا که روایات فراوانی از اهل بیت(ع) در این تفسیر نقل شده است. این نوشتار به بررسی روش‌های نقل روایات اهل بیت(ع) در این تفسیر پرداخته است.

### اشاره‌ای به فضای تألیف التبیین

سده ۴ و ۵ هجری درخشان‌ترین دوره تمدن اسلام و دوره پیشرفت علوم و فنون در بستر فرهنگ و تمدن اسلامی برشمرد. بخشی از این پیشرفت مدیون دانشمندان دوره آل بویه(دیلیمیان)(۴۴۸-۳۲۲ق) است. نقش برخی فرمانروایان فرهیخته و وزیران و ندیمان دانشمند آن‌ها همچون ابوالفضل بن عمید، ابواسحاق صابی و صاحب بن عباد؛ در این رشد علمی قابل توجه است(سجادی، مقاله آل بویه: ۶۴۴). توجه به علم و احترام به عالمان به ویژه بزرگان شیعه همچون سید رضی، سید مرتضی، شیخ مفید و شیخ صدوق در نزد آل بویه جایگاه خاصی داشت(همان: ۶۴۱). زندگی شیخ طوسی(۴۶۰-

۳۸۵ق) در این دوره درخشان واقع شد و دوران جوانی و تحصیل او با اوج این حکومت شیعی مصادف گردید.

به لحاظ مکان نیز شهر بغداد، پایتخت خلافت و حکومت اسلامی محسوب می‌شد و فضایی متفاوت با دیگر مراکز علمی جهان اسلام داشت. دانشجویان و دانشمندان مذاهب مختلف اسلامی برای تحصیل علم، تضارب آراء، و اندیشه ورزی به آنجا می‌آمدند. این شهر مرکز بزرگ فرهنگی به شمار می‌رفت و موطن و خاستگاه مکاتب فقهی حنفی و حنبلی بود. مساجد آن مرکز عمده دانش پژوهی بود و تعداد فراوان کتابفروشی‌ها، مدارس، مساجد و کتابخانه‌های آن میزان فعالیت‌های علمی و فرهنگی آن را نشان می‌داد (عبد العزیز دوری و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۶). بیت الحکمه مرکز ترجمه و انتقال تجارب علمی و مدارس نظامیه و مستنصریه مرکزی برای دانشجویان بود. کتابخانه‌هایی چون دار العلم ابونصر اردشیر بن شاپور و کتابخانه‌های بزرگانی همچون سید مرتضی در اختیار بزرگان و دانشمندان بود.

شیخ طوسی در دوره‌ای که مصادف با حکومت آل بویه بوده در امنیت و آرامش به تحصیل، تدریس و تألیف اشتغال داشت. اما در سال ۴۴۷ق با روی کار آمدن ترکان سلجوقی و حمله طغرل بیک به بغداد، حوادث تلخی در بغداد روی داد و شیعیان مورد حمله و غارت قرار گرفتند (ابن اثیر، ۱۳۸۵ق: ۶۱۰/۹). بر اثر درگیری‌های عقیدتی کتابخانه‌های در دسترس شیعه سوزانده شد. کتابخانه و منزل شیخ در محله کرخ بغداد و کتابخانه بزرگی که ابونصر وزیر آل بویه بنا نموده بود؛ در آتش سوخت و مصادر متقدم و اصول اولیه شیعه از بین رفت (همان: ۶۳۷/۹؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۶، ۱۷). در نتیجه این اتفاقات شیخ مجبور به مهاجرت به نجف شد.

فضای مناسب دوران آل بویه در بغداد موجب تضارب آراء و رشد و توسعه مناظرات فرقه‌ها و مکاتب کلامی شد. در این دوره برای بزرگان شیعه همچون شیخ صدوق، شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی فرصت مناسبی در دفاع از عقاید شیعه فراهم گردید (فقیهی، ۱۳۷۸: ۵۷ و ۴۰) و به آثار این اندیشمندان رنگ و بوی کلامی داد. برای نمونه تعداد قابل توجهی از آثار شیخ صدوق در مباحث اعتقادی و بسیاری از آثار شیخ مفید نیز دال بر نقد و رد این گروه‌ها و مناظرات با آنهاست (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۳۹۰ و ۴۰۰).

شیخ طوسی، نیز در «التبیان» به مناسبت موضوع آیات اسامی بسیاری از این گروه‌ها و فرقه‌ها را نام می‌برد. نام بردن از معتزله، مرجئه، مجبره و مشبهه، حشویه، اصحاب الرأی، اصحاب الحدیث، اصحاب الموافاة، اصحاب الضرورات، اصحاب المعارف، اصحاب الرموز و... در «التبیان» به خوبی بیانگر این فضا می‌باشد (طوسی، ۱۳۸۳ق: ۱/۱۹۲، ۲۸۶، ۳۸۶، ۳۹۹/۲، ۲۲۶/۴، ۴۱۷/۶، ۵۰۸/۷، ۳۰۳/۹).

از دیگر ویژگی‌های این دوره اوج گیری مکتب روایی بغداد بود. تا قبل از ظهور مکتب روایی بغداد، مکتب روایی قم و به ویژه ری مورد توجه بود. با وفات محدثانی چون ابن الولید و صدوق اول (۳۲۹م) معروف به شیخ القمیین در قم (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۲۶۱) مدرسه ری با حضور شیخ صدوق به عنوان مدرسه‌ای فعال در حدیث شیعه مطرح شد و در ادامه با فوت شیخ صدوق در سال ۳۸۱ق به بغداد منتقل شد (فیروزمندی بندپی، ۱۳۸۸ش: ۱۴۹). مکتب روایی بغداد با غلبه عقل گرایی توسط شیخ طوسی و استادانش به اوج رسید و در این راستا شیخ طوسی در «التبیان»، تفکر جاهلان اصحاب حدیث و کسانی که تفسیر قرآن را جز با روایات جایز نشمرده‌اند باطل اعلام نمود (طوسی، ۱۳۸۳ق: ۳۰۳/۹).

گفتمان برخاسته از این ویژگی‌های زمانی و مکانی به ویژه عقل گرایی این دوره در «التبیان» متبلور شد و شیخ طوسی در پاسخ به درخواست عده‌ای از اصحاب، تفسیری متفاوت از تألیفات قرآنی متقدمان شیعه تألیف نمود. وی به جای پرداختن به یک رشته از علوم قرآنی تمامی آن‌ها را در «التبیان» جمع و آن را به اولین تفسیر جامع و اجتهادی شیعه، تبدیل کرد. چراکه قبل از او هیچ تفسیر کاملی از آیات قرآن توسط مؤلفان شیعی به صورت کامل نوشته نشده و یا موجود نبود. شیخ طوسی برای نوشتن «التبیان» از تألیفات قرآنی قبل استفاده نمود. از مهم‌ترین این منابع «جامع البیان» طبری است که مرجعی برای اقوال و آرای تفسیری و شأن نزول‌ها و نقل‌های تاریخی محسوب می‌شد و شیخ طوسی فراوان از آن استفاده نمود (طوسی، ۱۳۸۳ق: سراسر کتاب).

شیخ طوسی در «التبیان» به ارائه مباحث علم قرآئات، واژه شناسی و بررسی مفردات قرآنی، نکات ادبی، روایات تفسیری منقول از صحابه و تابعین، روایات اهل بیت (ع)،

نظرات مفسران پیشین، مباحث کلامی و فقهی و پاسخگویی به شبهات پرداخته و آن‌ها را همچون یک مفسر نقاد مورد بحث و بررسی قرار داده است. شیوه متفاوت در تفسیر و روش جامع‌نگر وی را می‌توان «مکتب تفسیری تبیان» دانست که بر تفاسیر بعدی شیعه از جمله «مجمع البیان»، تفسیر *ابوالفتوح رازی*، «فقه القرآن» (قطب راوندی)، «منهج الصادقین فی الزام المخالفین» و «المیزان فی تفسیر القرآن» تأثیر گذارده است (کریمی‌نیا، فصلنامه مطالعات اسلامی، شماره ۷۴: ۱۱۱-۸۱). شرایط مذکور، همچنین در نوع نگاه مؤلف به روایات تفسیری عامه و خاصه هم مؤثر بوده و مؤلف «التبیان» با توجه به مکتب روایی خود- مکتب بغداد- در رهایی از چهارچوب حدیث‌گرایی، از نقل کامل روایات دست برداشته و از روش‌های مختلف در نقل روایت استفاده نموده است. نقل همه واژگان روایت، نقل واژگان کلیدی، نقل به معنا، تقطیع، اشاره به موضوع و حذف متن روایت، ذکر روایت بدون اشاره به نام معصوم از روش‌های نقل روایت در «التبیان» است؛ که در ادامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت. با توجه به روش‌های نقل روایت در «التبیان» می‌توان گفت، اصل حاکم بر نقل روایات در «التبیان» پرهیز از نقل مستقیم روایات شیعه و اشاره به روایات و یا موضوع آن‌ها است. این اصل به همراه ویژگی‌هایی چون تقدم در نقل روایات عامه، پرهیز از روایات باطنی، نقل حداکثری روایات پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) از منابع اهل سنت؛ «التبیان» را به یک تفسیر تقریبی تبدیل نموده است.

### روش‌های نقل روایات اهل بیت (ع) در التبیان

شیخ طوسی در نقل روایات اهل بیت (ع) از روش‌های مختلفی بهره برده است که در ادامه مقاله ذیل چهار عنوان اصلی بررسی می‌شود.

#### ۱. نقل روایات با ذکر نام معصوم

روایات نقل شده در «التبیان» به نسبت نام گوینده روایت، وضعیت متفاوتی دارد. برخی روایات از یک معصوم برخی از دو یا بیش‌تر نقل شده و در برخی عنوان «اهل بیت» آمده است تعدادی نیز به صورت مجهول از معصومین نقل و نام آن‌ها در ابتدای

روایت برده نشده است. بدیهی است روایاتی که با ذکر نام معصوم نقل شده است به نسبت روایات دیگر دارای اعتبار بیش‌تری است. نام معصومین در بسیاری از روایت‌های نقل شده در «التبیان» ذکر شده و شیخ طوسی در این شکل از روایت نیز به چند گونه عمل نموده است:

## ۲. نقل روایات با ذکر نام معصوم و ذکر واژگان روایت

شیخ طوسی در نقل بسیاری از روایات نام اهل بیت (ع) را ذکر نموده است. نام پیامبر (ص) و حضرت علی (ع)، حضرت فاطمه، امامان حسن، حسین، سجاد، باقر، صادق، رضا (ع) در «التبیان» ذکر و از آن‌ها روایت نقل شده است. بیش‌ترین بسامد نام اهل بیت (ع) در نقل روایات به پیامبر (ص)، حضرت علی و امام باقر و صادق (ع) اختصاص دارد؛ اما مصادر این روایات متفاوت است. شیخ طوسی بیش‌ترین روایات پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) را از مصادر اهل سنت و بیش‌ترین روایات ائمه معصومین (ع) را از مصادر شیعه نقل نموده است. همانطور که اشاره شد، روش غالب شیخ طوسی پرهیز از نقل کامل واژگان روایت و مطابق با مصادر متقدم است؛ اما در موارد اندکی نیز واژگان روایت را عیناً نقل کرده است. از این نوع نقل می‌توان حدس زد که تفاسیر متقدم شیعه از منابع در دسترس او بوده است.

الف. شیخ طوسی در تفسیر این فراز از آیه ﴿الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ﴾ (البقرة/۱۲۱) این روایت را نقل نموده است: «روی عن أبي عبد الله (ع) حق التلاوة: الوقوف عند ذكر الجنة والنار» (طوسی، ۱۳۸۳ق: ۴۴۲/۱) این روایت دقیقاً با همین الفاظ در تفسیر عیاشی نقل شده است (عیاشی، ۱۳۸۰ق: ۱/۵۷).

ب. در ابتدای تفسیر سوره انعام و در تعظیم این سوره، روایت زیر نقل شده است. «وروی عن أبي عبد الله (ع) أنه قال: ان الانعام نزلت جملة، وشيعها سبعون الف ملك حين أنزلت على رسول الله (ص) فعظموها، وبجلوها، فان اسم الله تعالى فيها في سبعين موضعاً. ولو يعلم الناس ما في قراءتها من الفضل ما تركوها» (طوسی، ۱۳۸۳ق: ۴/۷۶). این روایت با اضافه شدن واژه «تبارک» بعد از «تعالی» در تفسیر عیاشی نقل شده است (عیاشی، ۱۳۸۰ق: ۱/۳۵۳).



نقل نموده است: «...وَأَحِلَّ لِيَ الْمَعْتَمُ وَنَصِرْتُ بِالرَّغْبِ وَأُعْطِيتُ جَوَامِعَ الْكَلَامِ وَأُعْطِيتُ الشَّفَاعَةَ» (صدوق، ۱۳۶۲ش: ۲۹۲/۱).

ج. در تفسیر اوقات نماز در آیه ﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا﴾ (الاسراء/۷۸) قسمتی از روایت را در بیان معنای «لِدُلُوكِ الشَّمْسِ» آورده و می‌نویسد: «اختلفوا فی الدلوك، ... دلوكها زوالها، وهو المروى عن أبی جعفر وأبى عبد الله (ع)» (طوسی، بی تا: ۵۰۸/۶). روایت کامل در بیان معنای آیه را عیاشی اینگونه نقل نموده است: «عَنْ زُرَّارَةَ وَحَمْرَانَ وَمَحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ قَوْلِهِ «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ» قَالَ: جَمَعَتِ الصَّلَوَاتِ كُلَّهُنَّ، وَدُلُوكُ الشَّمْسِ زَوَالُهَا، وَغَسَقُ اللَّيْلِ انْتِصَافُهُ، وَقَالَ: إِنَّهُ يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ كُلَّ لَيْلَةٍ - إِذَا انْتَصَفَ اللَّيْلُ: مَنْ رَقَدَ عَنْ صَلَاةِ الْعِشَاءِ إِلَى هَذِهِ السَّاعَةِ - فَلَا نَامَتْ عَيْنَاهُ، «وَقُرْآنَ الْفَجْرِ» قَالَ: صَلَاةُ الصُّبْحِ، وَأَمَّا قَوْلُهُ «كَانَ مَشْهُودًا» قَالَ: تَحْضُرُ مَلَائِكَةُ اللَّيْلِ وَمَلَائِكَةُ النَّهَارِ» (عیاشی، ۱۳۸۰ق: ۳۰۹/۲) و با اندکی تفاوت در الفاظ (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۲۷۱/۳).

برای نمونه‌های بیش‌تر ر.ک: ۵۱۲/۷، ۵۰۳/۶، ۱۳/۹ و ۱۳۸/۶.

#### ۴. نقل روایات با ذکر نام معصوم همراه با نقل به معنا

نقل به معنا، شایع‌ترین تغییر در روایات است. متخصصان علوم حدیث در شکل‌گیری این پدیده در روایات علت‌های زیادی برشمرده‌اند؛ سهم عمده‌ای از این علت‌ها مربوط به وقایع تاریخی است و قسمتی نیز به راویان و اصحاب معصومین برمی‌گردد. نقل به معنا مباحث مهمی نزد متخصصان حدیث به خود اختصاص داده است (حسینی جلالی، ۱۴۱۸ق: ۵۱۴-۵۱۶). بسیاری از روایات نقل شده در «التبیان» با بررسی تطبیقی با مصادر متقدم دچار نقل به معنا شده است. پرهیز از حدیث‌گرایی صرف، از بین رفتن مصادر شیعه، هجرت شیخ طوسی به شهر نجف و در دسترس نبودن منابع، و تکیه بر حافظه می‌تواند از جمله دلایل نقل به معنا در «التبیان» باشد.

برخی پژوهشگران، اقسام نقل به معنا را در دو سطح کلی واژگان و جمله تقسیم نموده و برای هر کدام موارد فرعی‌تری برشمرده‌اند. از انواع نقل به معنا در سطح واژگان به تغییر روابط صرفی، نحوی، معنایی (مجاورت، مشابهت، مترادف) و در سطح جمله به

تغییرات نحوی و معنایی خاص اشاره شده است (پاکتچی، ۱۳۹۴: ۱۴-۷). با مطالعه و تطبیق روایات در «التبیان» به این نتیجه می‌رسیم که نقل به معنا به ویژه از نوع تغییر واژگان در روایات «التبیان» بسیار زیاد است. بررسی و گونه‌شناسی نقل به معنا در روایات «التبیان» نیاز به پژوهش مستقلی دارد.

الف. مؤلف در تبیین معنای «وَلْيُؤْمِنُوا بِي» در آیه ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾ (بقره/۱۸۶) این روایت را نقل نموده است: «روی عن أبي عبد الله (ع) أنه قال: «وَلْيُؤْمِنُوا بِي» أي وليتحققوا أني قادر على إعطائهم ما سألوا» (طوسی، ۱۳۸۳: ۳۱/۲). این روایات با واژگان مشابه در تفسیر عیاشی نقل شده است: «عَنْ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي قَوْلِهِ «فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي» يَعْلَمُونَ أَنِّي أَقْدِرُ عَلَى أَنْ أُعْطِيَهُمْ مَا يَسْأَلُونَ» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱/۸۳). در اینجا نقل به معنا از نوع جابه‌جایی در قالب واژه (انواع مشتقات) صورت گرفته است.

ب. مؤلف در آیه ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُوَدُّوا وَالْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا﴾ (النساء/۵۸) چند قول از مفسران درباره اهل امانات نقل و یکی از اقوال را والیان امر می‌داند و در تکمیل این قول به روایتی اشاره نموده است: «إن المراد به ولاة الأمر وهو اختيار الجبائی وروی ذلك عن أبي جعفر أيضاً وأبي عبد الله (ع) وقالوا: أمر الله الأئمة كل واحد منهم أن يسلم الأمر إلى من بعده» (طوسی، ۱۳۸۳: ۳/۲۳۳). این روایت بدین شکل در مصادر اولیه نقل شده است: «عن الْمُعَلِّيِّ بْنِ حُنَيْسٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) - عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُوَدُّوا وَالْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا قَالَ أَمَرَ اللَّهُ الْإِمَامَ الْأَوَّلَ أَنْ يَدْفَعَ إِلَى الْإِمَامِ الَّذِي بَعْدَهُ كُلَّ شَيْءٍ عِنْدَهُ﴾ (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۲۷۶ و صفار، ۱۴۰۴: ۱/۴۷۶). با مقایسه دو روایت متوجه می‌شویم نقل به معنا در این روایت در سطح جمله رخ داده است. قابل ذکر است که شیخ طوسی سه مصداق برای ادای امانت در ذیل آیه نقل کرده است و یکی از آنها تسلیم امر امامت به امام دیگر است و همین مصداق نیز با واژگان و تعابیر دیگر در روایات نقل شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۷۶).

برای نمونه‌های بیش‌تر ر.ک: ۴۴۸/۱، ۹۱/۲، ۸۳/۷، ۱۸۲/۳، ۱۷۷/۴، ۳۸۶/۴، ۴۰۹/۵

### ۵. نقل روایات با ذکر نام معصوم با اشاره به مضمون روایت

از روش‌های نقل روایات در «التبیین» اشاره به مضمون روایت است. استفاده از این روش با توجه به اصل کلی حاکم بر نقل روایات در این تفسیر، بسیار زیاد است و بسیاری از روایات بدین روش نقل شده است. در این روش مؤلف گاه برخی واژگان اصلی و کلیدی روایت را ذکر نموده و گاه به موضوع روایت اشاره نموده است. برای نمونه در تفسیر فراز پایانی آیه شریفه: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحُرِّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنْثَىٰ بِالْأُنْثَىٰ فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنْ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (البقرة: ۱۷۸) مراد از اعتداء را «القتل بعد قبول الدية» دانسته و این قول را از ابن عباس، والحسن، و قتادة، و مجاهد، و الربيع، و ابن زید نقل و آن را مروی از ابی جعفر و ابی عبد الله (علیه السلام) ذکر می‌کند (طوسی، ۱۳۸۳ق: ۲/۱۰۲). در مصادر متقدم این روایت اینگونه نقل شده است: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - فَمَنْ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ فَقَالَ الرَّجُلُ يَعْفُو أَوْ يَأْخُذُ الدِّيَةَ ثُمَّ يَجْرَحُ صَاحِبَهُ أَوْ يَقْتُلُهُ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۷/۳۵۹) و با اندکی تغییر در الفاظ (عیاشی، ۱۳۸۰: ۷۶/۱). در اینجا شیخ طوسی با ذکر مصدر یکی از واژگان اصلی روایت به مضمون آن اشاره نموده است در صورتی که موضوع روایت یعنی اعتداء شامل سه موضوع می‌شود.

برای نمونه‌های بیش‌تر ر.ک: ۲/۱۱۲، ۶/۲۹۱، ۳/۴۹۸، ۷/۲۴۲، ۷/۳۱۴، ۷/۳۲۵، ۷/۳۵۱، ۷/۱۹۶، ۸/۳۱۳ و ۱۰/۹۸.

### ۶. نقل روایات با عنوان اهل البيت (ع)

شیخ طوسی در نقل برخی روایات در «التبیین» از ذکر نام معصوم خودداری نموده و عنوان کلی «اهل البيت» را به عنوان گوینده روایت برگزیده است. این عنوان در ترکیب‌های زیر استفاده شده است: «قال أهل البيت» (طوسی، ۱۳۸۳ق: ۷/۴۵۷)، «روی عن اهل البيت» (همان: ۱/۴۳، ۷/۴۶۳ و ۲۰۲/۹)، «فی قرائت اهل البيت» (همان: ۵/۳۱۶، ۶/۲۲۸، ۷/۵۱۲، ۸/۳۸۴ و ۹/۳۶۴)، «فی تفسیر اهل البيت» (همان: ۳/۵۸۶، ۶/۲۲۸، ۷/۱۹۶ و ۳۲۵ و ۸/۵۷۷) و گاهی نیز تنها و بدون ترکیب با کلمه دیگر آمده

است (همان: ۴/۱، ۴۹۱/۷). اینکه چرا شیخ طوسی از عنوان «اهل البیت» استفاده نموده است می‌تواند موضوع پژوهشی جداگانه قرار گیرد؛ اما به نظر می‌رسد استفاده از این عنوان، ناشی از کم کردن حساسیت نسبت به موضوع، فراموشی، تردید داشتن در نام گوینده روایت باشد. این نوع کاربرد در تفاسیر بعد از «التبیان» مشاهده می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۱۹۲/۱، ۱۵۳/۳، ۵۸۴/۶ و...؛ رازی، ۱۴۰۸: ۸۷/۱، ۱۳۰/۴ و ۱۶۳/۶ و...).

عنوان «جمیع علماء اهل البیت» یک بار و در تفسیر آیه ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾ (المائدة/ ۵۵) آورده شده است. مؤلف پس از ذکر نام مفسران هم عقیده با شیعه اینگونه آورده است: «اختلفوا فيمن نزلت هذه الآية فيه، فروى أبو بكر الرازي في كتاب أحكام القرآن على ما حكاه المغربي عنه، والطبري، والرماني، ومجاهد، والسدي: إنها نزلت في علي (ع) حين تصدق بخاتمه وهو راع، وهو قول أبي جعفر وأبي عبد الله وجميع علماء أهل البيت» (طوسی، ۱۳۸۳ق: ۵۵۸/۳). عبارت «جمیع علماء اهل البیت» می‌تواند بیانگر دو گروه باشد. گروه اول خود اهل بیت (ع) است. شاهد بر این گروه روایاتی است که از نام امام به عالم تعبیر نموده است (قمی، ۱۴۰۴ق: ۱۷/۱ و ۶۷؛ کلینی، ۱۴۰۷ق: ۱۴۸/۱ و ۶۵۴/۲). گروه دوم اهل بیت و فرزندان عالم آن‌ها می‌باشد. شاهد بر این گروه روایتی است که از عبد‌الله بن محمد حنفیه (فرات کوفی، ۱۴۱۰ق: ۱۲۵) و از نوادگان امام سجاد (ابن عقده، ۱۴۲۴ق: ۱۸۸) در تفسیر همین آیه نقل شده است. همچنین در ابتدای این روایت، از گویندگان روایت به علمای اهل بیت، تعبیر شده است: «عَنْ عُلَمَاءِ أَهْلِ الْبَيْتِ، عَنِ الْبَاقِرِ، وَالصَّادِقِ، وَالْكَاطِمِ، وَالرِّضَا، وَزَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ)، فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾، قَالُوا: «هُوَ عَلِيُّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق: ۹۲/۳). بیش‌ترین عنوان تکرار شده در این روش «قرائت اهل البیت» است. استفاده از این ترکیب با توجه به نگاه شیخ طوسی در جواز قرائت (طوسی، ۱۳۸۳ق: ۷/۱) می‌تواند حاکی از این باشد که؛ شیعه نیز برای پرهیز از اختلاف در امت اسلام قرائت را قبول و از امامان خود در این موضوع روایت دارد. همچنین از نگاه درون مذهبی چون مؤلف نام گوینده این روایت را مشخص ننموده نشان می‌دهد، این دسته روایات نزد مؤلف دارای صحت و اعتبار نیست.

### ۷. نقل روایت با عبارات «روی اصحابنا. عن ائمتنا. فی اخبارنا»

یکی دیگر از روش‌های نقل روایات، اشاره به روایت بدون ذکر نام معصوم است. این دسته از روایات با عبارات‌های «روایاتنا، ما رواه أصحابنا، عند اصحابنا، روی عن ائمتنا، هو المروی فی اخبارنا، روی فی اخبارنا، هو المروی عن ائمتنا» قابل استخراج می‌باشند. شیخ طوسی در این روش با اضافه نمودن ضمیر متکلم «نا» به واژگان «روایات»، «اخبار» و «اصحاب» به این مطلب اشاره می‌نماید که روایت مورد نظر از اهل بیت (ع) نقل شده است. شیخ طوسی در بیش‌تر موارد این روش، از ذکر متن روایت مطابق واژگان نقل شده در مصادر روایی متقدم خودداری نموده و به مضمون روایات اشاره داشته است. می‌توان روش شیخ را در اینجا نیز به دو دسته زیر تقسیم نمود.

### الف. اشاره به روایت با ذکر برخی از واژگان

در این دسته مؤلف به برخی از واژگان روایت اشاره کرده است و با بکاربردن یکی از عبارات‌های مذکور خواننده را به وجود روایتی از شیعه در این موضوع رهنمون می‌شود. برای نمونه در آیه شریفه ﴿ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَأَحَلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامَ إِلَّا مَا يُلَىٰ عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ﴾ (الحج/ ۳۰) در تعیین مصادیق الأوثان و قول الزور آورده است: «وروی أصحابنا أن المراد به اللعب بالشطرنج، والنرد، وسائر أنواع القمار «وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» یعنی الكذب وروی أصحابنا أنه يدخل فيه الغناء وسائر الأقوال الملهية بغير حق» (طوسی، ۱۳۸۳ ق: ۱۱/۷). اشاره شیخ طوسی به این روایات در مصادر متقدم اینگونه نقل شده است: «فَإِنَّهُ حَدَّثَنِي أَبِي عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ الرَّجْسُ مِنَ الْأَوْثَانِ الشَّطْرَنْجُ - وَقَوْلَ الزُّورِ: الْغِنَاءُ» (قمی، ۱۴۰۴: ۲/ ۸۴ و کلینی، ۱۴۰۷: ۶/ ۴۳۵).

نمونه‌های بیش‌تر ر.ک: ۴۶۱/۱، ۱۶۴/۲، ۱۶۳، ۱۷۵ و ۲۱۲، ۳۰۴/۴، ۱۶۹/۵، ۵۱۷/۸

### ب. اشاره به مضمون روایت بدون ذکر واژه‌های روایت (اشاره موضوعی)

در بخش دوم از این روش مؤلف فقط به موضوع روایت اشاره و از نقل مستقیم واژگان یا نقل به معنای روایت خودداری کرده است. برای نمونه در تفسیر و بیان مصادیق آیه «الصَّراطُ الْمُسْتَقِيمُ» چهار وجه ذکر نموده و در وجه چهارم آورده است: «الرابع - انه

النبي (ص) والأئمة (ع) القائمون مقامه صلوات الله عليهم، وهو المروى فى أخبارنا» (طوسی، ۱۳۸۳ق: ۵۵/۱). در مصادر متقدم روایاتی در معرفی اهل بیت و امیر المؤمنین (ع) به عنوان صراط مستقیم همراه با توضیحات زیاد نقل شده و از جمله در تفسیر قمی آمده است: «عن علی بن رثاب قال قال لی أبو عبد الله (ع) نحن والله سبیل الله الذی أمر الله باتباعه - ونحن والله الصراط المستقیم - ونحن والله الذین أمر الله العباد بطاعتهم - فمن شاء فليأخذ هنا، ومن شاء فليأخذ من هنا - لا يجدون والله عنا محيصا» (قمی، ۱۴۰۴ق: ۶۶/۲).

برای موارد بیش‌تر ر.ک: ۱۶۹/۱، ۱۸۵/۲ و ۴۳۵، ۸۱/۳، ۲۴۴/۵، ۶۸/۸، ۲۷۸/۹ و ۴۲۳،

۸/۱۰

یکی از عبارتهای استفاده شده در التبیان «عندنا» می‌باشد. تکرار آن نشان می‌دهد؛ کاربرد این ترکیب در این تفسیر زیاد است. این عبارت اشاره به نظرات و آراء قرآنی، فقهی یا کلامی شیعه دارد (طوسی، ۱۳۸۳ق، ۳۵۹/۱، ۱۰۹/۲، ۲۱۸/۳، ۷/۵، ۴۱۲/۴۰ و ۲۷۷/۸) البته برخی از این موارد خاص دانشمندان شیعه در مکتب بغداد می‌باشد. می‌توان برخی روایات نقل شده را نیز ذیل این واژه استخراج نمود (طوسی، ۱۳۸۳ق: ۲۱۳/۱، ۱۳۵/۲، ۲۰۸/۳، ۱۲۳/۵، ۴۰۵/۷ و ۲۷۷/۸).

## ۸. ذکر روایت با الفاظ مجهول (روی، فی الحدیث، روی فی الاخبار، قیل، قال قوم)

از دیگر روش‌های اصلی نقل روایات در «التبیان»، اشاره کلی به عنوان روایت و حدیث و بدون نام بردن گوینده روایت است. با جست‌وجو در مصادر متقدم معلوم شد با اینکه این روایات از فریقین نقل شده اما شیخ طوسی بیش‌تر این روش را در نقل روایات از مصادر اهل سنت استفاده نموده است، همچنین مؤلف با استفاده از این روش روایات زیادی را نقل نموده است. به طور قطع نمی‌توان گفت مقصود شیخ طوسی از نقل این دسته روایات به صورت مجهول چه بوده است. اصل حاکم بر نقل روایات در «التبیان» (پرهیز از نقل روایات با تمامی واژگان) نیز بر این روش تأثیر داشته است. می‌توان انگیزه مؤلف در استفاده از این روش را عدم صحت و اعتبار کافی روایت نزد مؤلف، در دسترس

نداشتن منابع، تردید داشتن در نام گوینده روایت، توجه به سبک تقریبی «التبیان» و پرهیز از صبغه حدیث گرایی «التبیان» برشمرد. تبیین بیش‌تر این انگیزه‌ها نیاز به تحقیق جداگانه دارد.

### الف. رُوی، فی الحدیث، روی فی الاخبار

در تفسیر آیه ﴿وَقُلْ اَعْمَلُوا فَاَسْبِرِ لِلّٰهِ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ اِلٰى عَالَمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (توبه/ ۱۰۵) مؤلف در تبیین آگاهی پیامبر و امامان به اعمال انسان‌ها به این روایت اشاره نموده است: «روی فی الخبر أن أعمال العباد تعرض على النبي صلى الله عليه وآله في كل اثنين وخميس فيعلمها. وكذلك تعرض على الأئمة عليهم السلام فيعرفونها» (طوسی، ۱۳۸۳ق: ۲۹۴/۵). این روایت با تغییر در الفاظ در مصادر متقدم نقل شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۲۱۹/۱).

برای نمونه‌های روایات شیعه ر.ک: ۴۲۹/۱، ۳۶/۲، ۵۷۸، ۱۹۵/۳، ۷۷/۴، ۶۷/۶ و ۴۶/۹. نمونه‌های روایات اهل سنت ر.ک: ۱۷/۱ و ۲۱۶ و ۴۰۶، ۲۹۴/۲ و ۳۰۲، ۴۴۳/۳، ۲۴۵/۵، ۴۴۳/۶، ۳۶۲/۹.

نمونه‌های روایات مشترک ر.ک: ۳۱۰/۱، ۲۹۴/۲، ۲۳۲/۳، ۶۶/۶، ۱۴۵/۹ و ۳۷۴.

### ب. واژه قیل. قال قوم

شیخ طوسی بسیاری از اقوال و روایات تفسیری مفسران عامه و خاصه را با واژه «قیل» نقل نموده است. برخی از این روایات را می‌توان در منابع شیعی پیدا نمود که یا به طور کامل از معصوم نقل شده است و یا بعضی از عبارات آن در روایات وجود دارد. برای نمونه در تبیین معنای «مبارکا» در آیه ﴿وَجَعَلْنِي مُبَارَكًا...﴾ (مریم/ ۳۱) پس از نقل قول مجاهد آورده است: «قال مجاهد: معناه معلماً للخير أينما كنت وقيل نفاعاً» (طوسی، ۱۳۸۳ق: ۱۲۴/۷). مشابه قولی که مؤلف آورده در مصادر متقدم از امام صادق (ع) نقل شده است: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ص): فِي قَوْلِهِ «وَجَعَلْنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ» قَالَ نَفَاعاً» (قمی، ۱۴۰۴: ۵۰/۲؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۱۶۵/۲).

برای نمونه‌های بیش‌تر ر.ک: ۶۵/۷، ۱۲۴/۷ و ۴۳۸ و ۱۵۱/۹.

از جمله عبارت‌های پر تکرار در «التبیان»، «قال قوم» (۹۱۶ مورد) می‌باشد. این عبارت علاوه بر نقل اقوال و روایات تفسیری برای اقوال ادبی، فقهی، کلامی، تفسیری نیز استفاده شده است. کاربرد این کلیدواژه در نقل روایات، قابل توجه است. اما در نقل روایات شیعه کم‌تر استفاده شده و موارد آن محدود است. از جمله مؤلف در تعیین مصادیق گناهان باطن و ظاهر در آیه ﴿قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَالْإِثْمَ وَالْبُغْيَ بَعِيرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ (الاعراف / ۳۳). پس از نقل قول مفسران به این مصادیق اشاره می‌نماید: «قال قوم: الإثم هو الخمر، وما ظهر الزنا، وما بطن هو نكاح امرأة الأب والإثم يعم جميع المعاصي» (طوسی، ۱۳۸۳ق: ۴/۳۹۰). در مصادر متقدم شیعه در تفسیر این آیه روایتی نقل شده که به همین مصادیق اشاره دارد و واژگان دال بر گناه در آیه را معنا نموده است (عیاشی، ۱۳۸۰ق: ۱۷/۲).

برای نمونه‌های بیش‌تر ر.ک: ۱۳۱/۶، ۱۲۰/۸، ۲۶۹/۱۰ و ۲۹۷/۱۰ و ۲۹۶.

شیخ طوسی در خلال تفسیر آیات به برخی روایت، بدون هیچ قرینه دال بر آن، اشاره نموده است. گاه تعدادی از واژگان روایت را می‌آورد و گاه به موضوع روایت اشاره می‌نماید اما نامی از گوینده روایت نمی‌آورد. به طور قطع نمی‌توان گفت انگیزه مؤلف در نقل این موارد چه بوده است؛ اما آنچه مسلم است مؤلف در تفسیر آیات، خواسته یا ناخواسته از برداشت‌های روایی استفاده نموده است. البته تعداد روایت نقل شده به این روش زیاد نیست. برای مثال، مؤلف در تبیین وجود هلال‌های ماه قمری در آیه ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ...﴾ (البقرة / ۱۸۹) می‌نویسد: «فإن قيل عما كان وقع السؤال من حال الأهل قیل عن زیادتها ونقصانها، وما وجه الحكمة فی ذلك، فأجیب بأن مقادیرها تحتاج إليه الناس فی صومهم، وفطرمهم، وحجهم وعدد نسائهم، ومحل ذنوبهم، وغير ذلك» (طوسی، ۱۳۸۳ق: ۲/۵۹۶). مشابه این قسمت را خود شیخ طوسی در «التهدیب» نقل نموده است: «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (ع) فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ قَالَ لِيصُومِهِمْ وَفِطْرِهِمْ وَحَجِّهِمْ» (طوسی، ۱۴۰۷ق: ۴/۱۶۶).

برای نمونه‌های بیش‌تر ر.ک: ۳۴۲/۳، ۴۲۹/۸، ۲۶/۹، ۶۶/۹، ۴۹۰/۹، ۵۱۳/۹، ۸/۱۰، ۳۰۳/۱۰.

### ویژگی‌های نقل روایات در التبیان با توجه به جایگاه یک تفسیر تقریبی

شیخ طوسی علاوه بر استفاده از روش‌های مختلف نقل روایت، از برخی قواعد و ویژگی‌های مرتبط با قواعد تفسیری نزدیک به اهل سنت در نقل روایات استفاده نموده است.

#### ۱. نقل بیش‌ترین روایات پیامبر و حضرت علی(ع) از مصادر اهل سنت

شیخ طوسی بیش‌ترین روایات پیامبر(ص) و روایات حضرت علی(ع) را با توجه به اینکه ایشان از صحابه پیامبر می‌باشد؛ از مصادر اهل سنت نقل نموده است. البته برخی از این روایات نیز در مصادر شیعه وجود دارد (شیخ طوسی، ۱۳۸۳ق: ۲۹/۱، ۱۱۷/۲ و ۴۲۲، ۱۷/۳، ۳۰۴/۴، ۱۸۳/۵ و ۴۹۴، ۲۸۴/۶ و ۲۹۳، ۲۳۲/۷، ۲۴/۸ و ۳۳۹، ۳۲۴/۹).

همچنین وی برخی روایات نقل شده از امامان معصوم را نیز از منابع اهل سنت، به ویژه از «جامع البیان» طبری نقش نقل نموده است. برای مثال در آیه ۴۱ سوره انفال در بحث تقسیم خمس، روایتی را /امام سجاد و باقر(ع) نقل نموده و به نقل آن در تفسیر طبری اشاره می‌نماید (طوسی، ۱۳۸۳ق: ۱۲۳/۵).

برای نمونه‌های بیش‌تر ر.ک: ۳۱۱/۱، ۱۱۷/۲، ۴۶۰/۵، ۴۸۶/۶، ۳۵۱/۸ و ۲۶۲/۹ و ۳۷۴.

#### ۲. ذکر نام اهل بیت(ع) در طبقه صحابه یا تابعین در نقل روایات

در «التبیان» روایاتی مشاهده می‌شود که به صورت مشترک هم از صحابه و تابعین و هم از اهل بیت(ع) نقل شده است؛ شیخ طوسی با توجه به اینکه امامان معصوم در رتبه صحابه یا تابعین محسوب می‌شوند؛ نام آن‌ها را در همان ردیف ذکر می‌نماید. مثلاً نام حضرت علی و امام حسن(ع) را در ردیف صحابه و نام امام سجاد و باقر(ع) را در ردیف تابعین ذکر می‌نماید. در آیه ﴿فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ﴾

(ص/۳۲) در تفسیر فراز «عَنْ ذِكْرِ رَبِّي» می‌نویسد: «معناه إن هذا الخيل شغلني عن صلاة العصر حتى فات وقتها، وهو قول علي وقتادة والسدي، وروى أصحابنا انه فاته الوقت الأول» (طوسی، ۱۳۸۳ق: ۸/۵۶۰). با توجه به صحابی بودن حضرت علی (ع) نام ایشان را اول و قبل از تابعین ذکر می‌نماید. اما در آیه اول سوره نساء در تعیین مصداق این فراز «الَّذِي تَسْأَلُونَ بِهِ» نام / امام باقر (ع) را بعد از نام صحابه و تابعین آورده است: «قال ابن عباس وقتادة ومجاهد والضحاك والربيع وابن زيد وهو المروى عن أبي جعفر (ع): واتقوا الأرحام أن تقطعوها» (طوسی، ۱۳۸۳ق: ۳/۱۰۰). در واقع رعایت این ترتیب، در نقل روایات در یک تفسیر شیعی همان نزدیک شدن به الگوی تفسیر تقریبی است. برای نمونه‌های بیش‌تر ر.ک: ۱۶۹/۱ و ۳۳۰، ۶۴/۳، ۹۳/۴، ۴۳۱/۵، ۳۰۸/۷ و ۴۰۸، ۱۵۹/۹ و ۴۰۲.

### ۳. پرهیز از روایات تأویلی و باطنی

شیخ طوسی با توجه به انگیزه تألیف تفسیر تقریبی، تلاش نموده از نقل روایات تأویلی و باطنی خودداری نماید. وی در تفسیر آیاتی که در ذیل آن‌ها در تفاسیر روایی متقدم مثل تفسیر عیاشی و قمی روایات تأویلی نقل شده است به یک تفسیر ساده با نقل اقوال تفسیری اکتفا نموده است. برای نمونه در آیه ﴿وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ﴾ (النحل / ۱۶) فقط به معنای ظاهری «نجم» اشاره نموده است: «والنجم يهتدى به ليلاً، وهو اختيار الطبري» (طوسی، ۱۳۸۳ق: ۶/۳۶۷) اما به روایت منقول در مصادر متقدم که در بردارنده یک معنای باطنی برای «نجم» است، اشاره ننموده است: «النَّجْمُ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَالْعَلَامَاتُ الْأُمَّةُ» (قمی، ۱۳۶۳ش: ۱/۳۸۳؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق: ۲/۲۵۵).

برای نمونه‌های بیش‌تر ر.ک: ۵۵/۱، ۳۹۹/۲، ۴۰۳/۶، ۳۲۲/۷، ۱۱۰/۸، ۴۷۷/۸، ۶۹/۱۰.

البته این ویژگی کلی نیست و شیخ طوسی در برخی موارد اینگونه روایات را نقل نموده است. مثلاً آیه ۶ قصص را در شأن حضرت مهدی (ع) دانسته است: «ومن قال: ان الآیة فی شأن المهدی (ع) حمل فرعون وهامان علی فرعون هذه الأمة وهامانها، والكنایة فی «مِنْهُمْ» عائدة علی أنصار المهدی» (طوسی، ۱۳۸۳ق: ۸/۱۳۱).

#### ۴. جابه‌جایی نام معصومین در روایات

در بسیاری از روایات نقل شده در «التبیان» جابه‌جایی نام معصومین وجود دارد مثلاً روایت در مصادر متقدم از امام ششم روایت شده اما در «التبیان» این روایت به امام پنجم نسبت داده شده است و یا روایت را مروی از امام پنجم و ششم می‌داند در صورتی که در مصادر فقط از امام ششم نقل شده است. برای مثال شیخ طوسی در فراز پایانی آیه قصاص ﴿فَمَنْ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (البقرة/۱۷۸) می‌نویسد: «والاعتداء هو القتل بعد قبول الدية وهو المروى عن أبى جعفر، وأبى عبد الله (ع)» (طوسی، ۱۳۸۳ق: ۲/۱۰۲) اما در مصادر این روایت فقط از امام ششم نقل شده است (عیاشی، ۱۳۸۰ق: ۱/۷۶ و کلینی، ۱۴۰۷ق: ۳۵۸/۷). در بررسی این مسأله دو فرضیه مورد احتمال و قابل بررسی است:

الف. اصحاب امام پنجم و ششم و یاران آن‌ها روایات را بدون نام معصوم نقل نموده و در منابع بعد از آن‌ها روایت را به یکی از دو امام نسبت داده‌اند. چنانکه در مصادر متقدم و نزدیک به عصر ائمه عبارت «احدهما» در سند روایات دیده می‌شود (حسین بن سعید، ۱۰۴۲ق: ۵۲، ۵۸، ۷۵ و...؛ اشعری قمی، ۱۰۴۸ق: ۲۶، ۳۲، ۴۷ و...، صفار، ۱۴۰۴ق: ۵۱/۱ و ۱۰۷ و ۱۴۶ و...؛ برقی، ۱۳۷۱ق: ۱/۵۹ و ۲۰۶ و ۲۸۸).

ب. با توجه به اینکه «التبیان» جزء تألیفات اواخر عمر شیخ طوسی به حساب می‌آید به نظر می‌رسد شیخ منابع روایی در دسترس نداشته و بر حافظه خود تکیه نموده و در نسبت روایت به امام اشتباه نموده است. بررسی و تبیین این فرضیات مجال دیگری می‌طلبد.

برای نمونه‌های بیش‌تر ر.ک: ۱۱۶/۲ و ۴۵/۲، ۹۷/۳، ۱۸۳/۵ و ۲۰۶، ۴۶۶/۶، ۳۱۴/۷.

#### ۵. تشابه روایت تفسیری اهل بیت (ع) با اقوال صحابه و تابعین

در «التبیان» اقوال و روایاتی از صحابه و تابعین نقل شده که در مصادر شیعه، شبیه به آن نیز از اهل بیت (ع) دیده می‌شود. این در حالی است که شیخ طوسی، هیچ اشاره‌ای به وجود روایت از اهل بیت (ع) نکرده است. برای نمونه در آیه ﴿خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَانزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ يَخْلُقَكُمْ فِي بَطُونٍ أَمْهَاتِكُمْ خَلْقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ

ثَلَاثٌ ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ» (الزمر/۶) موضوع خلقت انسان‌ها مطرح گردیده است. مؤلف در تفسیر فراز پایانی: «فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ» قولی را از صحابه و تابعین نقل نموده است: «قال ابن عباس ومجاهد وقتادة والضحاك والسدي وابن زيد: يعنى ظلمة البطن، وظلمة الرحم، وظلمة المشيمة» (طوسی، ۱۳۸۳ق: ۹/۹). نزدیک به این قول در روایتی با تغییر واژگان از امام صادق (ع) نقل شده است: «تَبْدَأُ يَا مُفَضَّلُ بِذِكْرِ خَلْقِ الْإِنْسَانِ فَاعْتَبِرْ بِهِ فَأَوَّلُ ذَلِكَ مَا يُدَبَّرُ بِهِ الْجَنِينُ فِي الرَّحِمِ وَهُوَ مَخْجُوبٌ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ ظُلْمَةَ الْبَطْنِ وَظُلْمَةَ الرَّحِمِ وَظُلْمَةَ الْمَشِيمَةِ» (مفضل، بی تا: ۴۸).

برای نمونه‌های بیش‌تر ر.ک: ۱/ ۲، ۱۵۶/۳۱۳ و ۵۱۸، ۴۸۶/۵، ۱۳۱/۶، ۱۷۰/۷، ۱۹۴/۹، ۲۴۷.

ویژگی‌های مذکور که رنگ گرفته از قواعد تفسیری تفاسیر متقدم اهل سنت به ویژه «جامع البیان» طبری است به همراه روش‌های نقل روایات اهل بیت (ع) تفسیر «التبیان» را به سوی تفسیری تقریبی و مورد قبول برای مذاهب اسلامی سوق داده است؛ اما اینکه در عمل هم به این هدف نایل شده است جای بحث و بررسی دارد.

### نتیجه بحث

«التبیان» اولین تفسیر جامع شیعه است و مؤلف با توجه به وجود تفاسیر روایی شیعی قبل، به دنبال نگارش یک تفسیر روایی نبوده است. عصر شیخ طوسی (مکتب بغداد) دارای ویژگی‌های خاص محیطی، سیاسی، علمی و کلامی بوده و این ویژگی‌ها بر محتوا و مطالب «التبیان» به ویژه روایات تأثیرگذار بوده است.

مؤلف با توجه به ویژگی‌های مذکور برای نقل روایات اهل بیت (ع) از روش‌های مختلفی همچون اشاره به موضوع روایت، ذکر واژگان محوری، استفاده از الفاظ دال بر روایات شیعه و الفاظ مجهول دال بر عنوان حدیث و خبر استفاده نموده است. اصل حاکم بر نقل روایات اهل بیت (علیهم السلام) در «التبیان» اشاره به وجود روایت در موضوع مورد بحث آیات و پرهیز از نقل مستقیم روایات است. این اصل موجب پدیده نقل به معنا، تقطیع و اختصار در روایات گردیده است.

مؤلف با استفاده از عبارات خاص مانند «روایاتنا»، «أصحابنا»، «روی عن ائمتنا»، «فی أخبارنا»، «فی تفاسیرنا» به روایات شیعه اشاره نموده است. الفاظ و عبارتهای مجهول استفاده شده در «التبیان»، «روی»، «فی الحدیث»، «روی فی الاخبار»، «قیل»، «قال قوم» بیش تر بر روایات اهل سنت دلالت دارد. روش های مختلف نقل روایات اهل بیت (ع) به همراه ویژگی های خاص آنها به ویژه در ارتباط با منابع اهل سنت، «التبیان» را به تفسیری تقریبی نزدیک نموده است. نقل بیش ترین روایات پیامبر و حضرت علی (علیهما السلام) از مصادر اهل سنت، اولویت نقل روایت تفسیری از صحابه و تابعین نسبت به روایات اهل بیت (ع)، نقل برخی روایات معصوم از منابع اهل سنت، پرهیز از روایات تأویلی و باطنی از جمله ویژگی هایی است که به «التبیان» صبغه تفسیر تقریبی می بخشد.

## کتابنامه

### قرآن کریم.

### نهج البلاغه.

ابن الأثیر، عز الدین أبو الحسن علی بن ابی الکرّم. ۱۳۸۵ق/۱۹۶۵م، **الکامل فی التاریخ**، بیروت: دار صادر.

ابن الجوزی، أبو الفرج عبد الرحمن بن علی بن محمد. ۱۴۱۲ق، **المنتظم فی تاریخ الأمم والملوک**، تحقیق محمد عبد القادر عطا و مصطفی عبد القادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه.

ابن بابویه، محمد بن علی. ۱۳۶۲ش، **الخصال**، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

ابن بابویه، محمد بن علی. ۱۳۷۸ق، **عیون أخبار الرضا علیه السلام**، تهران: جهان.

ابن بابویه، محمد بن علی. ۱۴۱۳ق، **من لا یحضره الفقیه**، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی. ۱۳۸۵ق، **دعائم الإسلام**، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام.

ابن شهر آشوب مازندرانی، أبو جعفر رشید الدین محمد بن علی. ۱۳۷۹ق، **مناقب آل أبي طالب**، قم: انتشارات علامه.

ابن عقده کوفی، احمد بن محمد. ۱۴۲۴ق، **فضائل أمير المؤمنين علیه السلام**، قم: دلیل ما.

اشعری قمی، احمد بن محمد بن عیسی. ۱۴۰۸ق، **النوادر**، قم: مدرسة الإمام المهدي(ع).

برقی، احمد بن محمد بن خالد. ۱۳۷۱ق، **المحاسن**، قم: دار الکتب الإسلامیه.

پاکتچی، احمد. ۱۳۹۴ش، **فقه الحدیث (مباحث نقل به معنا)**، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).

حسن بن علی. ۱۴۰۹ق، **التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري**، قم: مدرسة الإمام المهدي(ع).

حسینی الجلالی، سید محمد رضا. ۱۴۱۸ق، **تدوین السنة الشریفة**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه.

رازی، ابوالفتوح حسین بن علی. ۱۴۰۸ق، **روض الجنان وروح الجنان فی تفسیر القرآن**، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

سعیدی روشن و دیگران. ۱۳۹۴ش، **آسیب شناسی جریان‌های تفسیری**، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

سوردل، دومینیک، عبدالعزیز دوری، کلود کاهن، آکساندر دوما. ۱۳۸۷ش، **دار الخلافه عباسیان: تاریخ کهن، جغرافیای تاریخی و سرگذشت اولیه بغداد**، مترجم: ایرج پروشانی، اسماعیل دولت‌شاهی، تهران: کتاب مرجع.

- صفار، محمد بن حسن. ۱۴۰۴ق، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم*، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۷۲ش، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
- طوسی، محمد بن الحسن. ۱۴۰۷ق، *تهذیب الأحکام*، تحقیق خراسان، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- طوسی، محمد بن الحسن. ۱۴۱۴ق، *الأمالی*، قم: دار الثقافة.
- طوسی، محمد بن حسن. ۱۳۸۳ق، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- علم الهدی، علی بن الحسین. ۱۴۳۱ق، *تفسیر الشریف المرتضی (نفائس التأویل)*، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- عیاشی، محمد بن مسعود. ۱۳۸۰ق، *التفسیر*، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
- فقیهی، علی اصغر. ۱۳۷۸ش، *تاریخ آل بویه*، تهران: مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت).
- قمی، علی بن ابراهیم. ۱۴۰۴ق، *تفسیر القمی*، قم: دار الکتب.
- کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۴۰۷ق، *الکافی*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- کوفی اهوازی، حسین بن سعید. ۱۴۰۲ق، *الزهد*، قم: المطبعة العلمیه.
- کوفی، فرات بن ابراهیم. ۱۴۱۰ق، *تفسیر فرات الکوفی*، تهران: چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مفضل بن عمر، بی تا، *توحید المفضل*، قم: نشر داوری.
- مفید، محمد بن محمد. ۱۴۱۳ق، *الأمالی*، قم: کنگره شیخ مفید.

## مقالات

- کریمی نیا مرتضی، ۱۳۸۵، «*شیخ طوسی و منابع تفسیری وی در التبیان*»، فصلنامه مطالعات اسلامی، شماره ۷۴، صص ۸۱-۱۱.
- کریمی نیا، مرتضی. ۱۳۹۵ش، «*طبری و تفاسیر شیعه با تأکید خاص بر التبیان شیخ طوسی*»، دوفصلنامه صحیفه مبین، شماره ۵۹، صص ۵-۱۱.
- سجادی، صادق، ۱۳۶۷ش، «*آل بویه*»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، صص ۶۴۶-۶۳۶، تهران: مرکز نشر دایرة المعارف بزرگ اسلامی.

## Bibliography

The Holy Quran .  
Nahj Al-Balagheh .

- Ibn al-Athir, Izz al-Din Abu al-Hasan Ali ibn Abi al-Karam. 2006/1965 AD, Al-Kamel Fi Al-Tarikh, Beirut: Dar Sader .
- Ibn al-Juzi, Abu al-Faraj Abdul Rahman bin Ali bin Muhammad. 1412 AH, Al-Montazem Fi Tarikh Al-Om Valmoluk, research of Muhammad Abdul Qadir Atta and Mustafa Abdul Qadir Atta, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Elamiya .
- Ibn Babuye, Muhammad ibn Ali 1983, Al-Khasal, Qom: Islamic Publications Office .
- Ibn Babuye, Muhammad ibn Ali, 1999, Ayoun Akhbar al-Reza (peace be upon him), Tehran: Jahan. Ibn Babuye, Muhammad ibn Ali 1413 AH, from the presence of the jurist, Qom: Islamic Publications Office .
- Ibn Hayun, Nu'man ibn Muhammad al-Maghribi. 2006, the prayers of Islam, Qom: Al-Bayt Foundation, peace be upon them .
- Ibn Shahr Ashob Mazandarani, Abu Ja'far Rashid al-Din Muhammad ibn Ali. 2000, Manaqib Al Abi Talib, Qom: Allameh Publications .
- Ibn Aqda Kufi, Ahmad ibn Muhammad. 1424 AH, The Virtues of Imam Ali, peace be upon him, Qom: Our reason .
- Ash'ari Qomi, Ahmad ibn Muhammad ibn Isa. 1408 AH, Al-Nawader, Qom: School of Imam Al-Mahdi (AS .(
- Barqi, Ahmad ibn Muhammad ibn Khalid. 1992, Al-Mahasin, Qom: Dar Al-Kitab Al-Islamiya .
- Pakatchi, Ahmad 2015, jurisprudence of hadith (issues of quoting meaning), Tehran: Imam Sadegh University Press
- Hasan Bin Ali, 1409 AH, the commentary attributed to Imam Al-Hassan Al-Askari, Qom: School of Imam Al-Mahdi (AS .(
- Hosseini Al-Jalali, Seyed Mohammad Reza 1418 AH, Compilation of the Holy Sunnah, Qom: Islamic Propaganda Office of the seminary .
- Razi, Abu al-Fotuh Hussein ibn Ali. 1408 AH, Rawz al-Jannan and Ruh al-Jannan in the interpretation of the Qur'an, Mashhad: Astan Quds Razavi, Islamic Research Foundation .
- Saeedi Roshan and others. 2015, Pathology of Interpretive Flows, Tehran: Research Institute and University.
- Sordell, Dominic, Abdulaziz Dori, Claude Kahen, Alexandre Duma. 2008, Dar al-Khalafa Abbasian: Ancient History, Historical Geography and Early History of Baghdad, Translator: Iraj Proshani, Ismail Dolatshahi, Tehran: Reference Book .
- Saffar, Muhammad ibn Hassan 1404 AH, Seeing the degrees in the virtues of the family of Muhammad, peace be upon him, Qom: School of Ayatollah Al-Marashi Al-Najafi
- Tabarsi, Fazl Ibn Hassan 1993, Collection of Statements in the Interpretation of the Qur'an, Tehran: Naser Khosrow .
- Tusi, Muhammad ibn al-Hassan 1407 AH, Tahzib al-Ahkam, Tahqiq Khorsan, Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiyya .
- Tusi, Muhammad ibn al-Hassan 1414 AH, Al-Amali, Qom: Dar Al-Thaqafah .
- Tusi, Muhammad ibn Hassan 2004, explanations in the interpretation of the Qur'an, Beirut: Dar Al-Ihyaa Al-Tarath Al-Arabi .
- Alam al-Huda, Ali ibn al-Husayn. 1431 AH, Tafsir al-Sharif al-Murtaza (Nafaes al-Tawil), Beirut: Scientific Foundation for Publications .
- Ayashi, Muhammad ibn Mas'ud. 2001, Tafsir, Tehran: Islamic Scientific School .
- Faqihi, Ali Asghar 1999, History of Al-Bouyeh, Tehran: Center for Research and Development of Humanities
- Qomi, Ali ibn Ibrahim. 1404 AH, Tafsir al-Qomi, Qom: Dar al-Kitab .
- Kelini, Muhammad ibn Ya'qub. 1407 AH, Al-Kafi, Tehran: Islamic Dar Al-Kotob .

- Kofi Ahwazi, Hussein bin Saeed. 1402 AH, Al-Zahd, Qom: Scientific Press .  
Kufi, Farat Ibn Ibrahim. 1410 AH, Tafsir Farat Al-Kufi, Tehran: Published by the Ministry of Culture and Islamic Guidance .  
Mufazal Ibn Umar, no date, Tawhid Al-Mafzal, Qom: Davari Publishing .  
Mufid, Muhammad ibn Muhammad. 1413 AH, Al-Amali, Qom: Sheikh Mufid Congress .

#### **Articles**

- Kariminia Morteza, 2006, "Sheikh Tusi and his interpretive sources in Al-Tabyan", Quarterly Journal of Islamic Studies, No. 74, pp. 11-81 .  
Kariminia, Morteza. 2016, "Tabari and Shiite commentaries with special emphasis on the Al-Tabyan of Sheikh Tusi", bi-monthly Sahifa Mobin, No. 59, pp. 11-50 .  
Sajjadi, Sadegh, 1988, "Al-Buyeh", The Great Islamic Encyclopedia, Vol. 1, pp. 646-636, Tehran: The Great Islamic Encyclopedia Publishing Center.

**Methods of quoting the narrations of Ahl al-Bayt (PBUH) in the interpretation of "Al-Tabyan"**

Date of Receiving: May 9, 2019

Date of Acceptance: August 8, 2019

**Seyed Hossein Mousavi Darreh Bidi:** PhD student in Quran and Hadith, Azad University, Isfahan Branch. mosavi15@gmail.com

**Amir Ahmadinejad:** Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, University of Isfahan. AmirAhmadneZhad@outlook.com

Corresponding author: Amir Ahmadinejad

**Abstract**

"Al-Tabyan Fi Tafsir Al-Quran", written by Sheikh Tusi, is the first comprehensive and ijtihad interpretation of the Quran in Shia. In this interpretation that a significant part of it consist narrations and interpretive sayings, quoting the narrations of the Ahl al-Bayt (AS) has a different method from the period before and after it. This issue becomes more important due to the position of Sheikh Tusi in Shiite hadith as the author of two books of four hadith books. Most of the narrations narrated in this commentary are not reflected in the traditional way of narrating narrations explicitly in narrations and the principle ruling quoting narrations of Ahl-Albayt in "Al-Tabyan" refers to the narration in the issue of verses and avoiding direct quoting narrations. The author has also used different methods such as referring to the subject of the narration, mentioning the key words of the narration, using words indicating Shiite narrations and unknown words. It can be said that the motivation and temporal and spatial conditions of the author (discourse space) of this commentary have played an effective role in the quantity and quality of the narrations of the Ahl al-Bayt (AS) and the author has tried to write an approximate commentary.

**Keywords:** Interpretation, method of narration, narration, Shiite, Ahl al-Bayt (AS).